



## *Study the Rule of Religiousness in Eating Habits and its Social Context in Citizens of Tabriz*

Fatemeh Golabi<sup>1\*</sup>, Marzie Saei<sup>2</sup>

1-Department of Social Sciences, University of Tabriz

2-Graduate student of social sciences, University of Tabriz, Tabriz

**\*Corresponding Author:**

Fatemeh Golabi  
Department of Social Sciences,  
University of Tabriz, Tabriz,  
Iran

**E-mail:**

f.golabi@tabrizu.ac.ir

**Received: 11 Dec 2014**

**Revised: 21 Jan 2015**

**Accepted: 22 Feb 2015**

### **Abstract**

**Background and Purpose:** The present study aimed to examine the role of religiousness in the social behaviors and eating habits.

**Material and Methods:** The research method is survey and its statistical population is all inhabitants Tabriz city who are over 15 years old. The sample size is 483 and the sampling method is a multistage cluster sampling. For the analysis of Data, the SPSS software was used. For inferential statistics, Pearson correlation, one-way analysis of variance and independent-samples t test were applied.

**Results:** The results of the Pearson Correlation Coefficient between religiousness and eating habits show that there is significant relationship between the two variables at 99% confidence level. Also, the results of the same test between dimensions of religiousness (religious, emotional, ritual, and outcome) and eating habits show that between of dimensions, relation of emotional dimension and eating habits is not significant, by contrast, relation between three other dimensions and eating habits is significant.

The results of ANOVA between contextual factors (marital status, employment, education and economic class respondents) and eating habits indicate that the mean of respondents' eating habits in terms of marital status, employment, economic class and education is different. In other words, they have the same eating habits.

**Conclusion:** Religion has influences on the action, selection and use of material and cultural life of the individuals. Considering that society is a religious society, its influence on dietary habits is very strong. In this regard, study and understand the influence of religion on dietary patterns and provide a healthy diet is important for consumers.

**Keywords:** Nutrition, Nutrition transition, Culture, Lifestyle, Religiousness, eating habits



## بررسی نقش دینداری در رفتار تغذیه ای و زمینه اجتماعی مرتبط با آن در شهروندان بالای ۱۵ سال تبریزی در سال ۱۳۹۳

فاطمه گلابی<sup>۱</sup>، مرضیه ساعی<sup>۲</sup>

## چکیده

**سابقه و هدف:** تحقیق حاضر با هدف بررسی نقش متغیر دینداری و برخی زمینه های اجتماعی در رفتارهای تغذیه ای شهروندان بالای ۱۵ سال ساکن در شهر تبریز در سال ۱۳۹۳ انجام شد.

**مواد و روش‌ها:** روش پژوهش پیمایش و جامعه آماری آن تمام شهروندان بالای ۱۵ سال ساکن در شهر تبریز در سال ۹۳-۱۳۹۲ می باشند. حجم نمونه برابر با ۴۸۳ نفر و شیوه نمونه گیری از نوع نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای می باشد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS و از روش های آماری در سطح توصیفی و استنباطی از روش همبستگی پیرسون، آزمون آنالیز واریانس یک طرفه F و آزمون T با نمونه مستقل استفاده شده است.

**یافته‌ها:** طبق یافته‌های حاصل از محاسبه ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر دینداری و رفتار تغذیه‌ای، بین دو متغیر در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد. هم چنین نتایج محاسبه همین آزمون بین ابعاد متغیر دینداری (اعتقادی، عاطفی، مناسکی و پیامدی) و رفتار تغذیه‌ای نشان می‌دهد، از بین ابعاد مورد بررسی فقط بین بعد عاطفی متغیر دینداری و رفتار تغذیه‌ای رابطه معنی دار وجود نداشته است و در مقابل، رابطه بین سه بعد دیگر دینداری با رفتار تغذیه‌ای معنی دار می‌باشد. در نهایت نتیجه بررسی آنالیز واریانس یک طرفه بین عوامل زمینه‌ای و رفتار تغذیه‌ای نشان می‌دهد میانگین رفتار تغذیه‌ای پاسخگویان از نظر وضع تاهل، اشتغال، طبقه اقتصادی و تحصیلات پاسخگو متفاوت و معنی دار می‌باشد.

**استنتاج:** دین، نقش تاثیرگذار بر روی کنش، انتخاب سبک زندگی و نحوه مصرف فرهنگی و مادی افراد دارد. با توجه به اینکه جامعه ایران جامعه‌ای دینی است این تاثیر بر روی رفتار غذایی بسیار پررنگ می‌باشد. در این راستا، بررسی و فهم تاثیر دین در تغییر الگوی غذایی و در ارائه برنامه غذایی سالم برای مصرف کنندگان اهمیت بسیاری دارد.

**کلیدواژه‌ها:** تغذیه، گذار تغذیه‌ای، فرهنگ، سبک زندگی، دینداری، رفتار تغذیه‌ای

۱ - استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز  
۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه تبریز

\* مؤلف مسئول: فاطمه گلابی

گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز- تبریز- ایران

Email:  
f.golabi@tabrizu.ac.ir

دریافت: ۱۹ آذر ۱۳۹۳  
اصلاحات: ۱ بهمن ۱۳۹۳  
پذیرش: ۳ اسفند ۱۳۹۳

## مقدمه

متعدد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و فردی قرار می‌گیرد. با توجه به نقش غیر قابل انکار عادات غذایی و عوامل تغذیه‌ای در بروز بیماری‌های جسمی، شناخت این عادات

نیازهای تغذیه‌ای انسان‌ها با سن و جنس مشابه در سراسر دنیا یکی است؛ ولی تنوع غذایی و ترکیبات آن برای رفع نیازهای تغذیه‌ای یکسان نیست و تحت تاثیر عوامل

از آنجا که ایران جامعه‌ای دینی است، دین همچون یک سرمایه، نقشی تاثیرگذار بر کنش و انتخاب سبک زندگی و نحوه مصرف فرهنگی و مادی افراد دارد. این تاثیر در زمینه رفتارهای غذایی نیز صادق است. بسیاری از افراد برای توصیف رفتارهای غذایی خود از زبان دین استفاده می‌کنند (عباراتی مانند: گناه، وجدان، افراط، خشنودی، محرومیت). به خصوص هنگامی که صحبت از لذت‌های گناه‌آلود و افراط در چیزهای ناسالم است (۵).

مذهب از نظر بورديو نظام نمادینی است که هم ساخت یافته و هم ساخت دهنده است. افراد و گروه‌ها بر حسب موقعیت‌های متمایز و متفاوتی که در فضای اجتماعی دارند و بر گرفته از تملک سرمایه‌های گوناگون است، و در نتیجه با درونی کردن این وضعیت و نمادهای آن (عادت واره‌ها) در نظام طبقه‌بندی اجتماعی جایگاه مشخصی را کسب می‌کنند. از طریق این نظام، ترجیحات و ذائقه‌هایی در ذهن و اعمال شخص ایجاد می‌شود که در تمایز و گاهی در تضاد با افراد و گروه‌های دیگر است. این ترجیحات و ذائقه‌ها در محدوده‌ی سرمایه‌های فرد (فرهنگی، اقتصادی، نمادین) در قالب کنش‌ها و اعمالی بروز می‌یابند که سبک‌های زندگی متمایز و تنوعی را می‌آفریند. پس افراد مختلف با سرمایه‌های متفاوت مذهبی (میزان پایین و یا بالای دینداری) دارای ترجیحات و ذائقه‌های متمایز و تا حدی متضاد در نحوه خوراک، پوشاک و.. می‌شوند (۵).

و بر، نقش نظام فرهنگی و ارزش‌ها و هنجارهای مورد تاکید این نظام را بر کنش‌های افراد، مهم و اساسی ارزیابی می‌کند. از دیدگاه وی، انتخاب‌های افراد در جامعه و به تبع آن کنش‌های آنان، متأثر از معنای ذهنی است که افراد تحت تاثیر فرهنگ برای کنش‌های خود قائلند. بر اساس مدل و بر تعامل تمایلات و منابع، کنش یا به تعبیری انتخاب‌های افراد یا جمع را پدید می‌آورد که به الگو یا مجموعه حاصل از آن، سبک زندگی می‌گوییم. به بیانی مشروح‌تر، فرد یا جمع، جهت کنش را تعیین و منبع در دسترس - که در پیوند با عوامل ساختاری، فرصت‌های زندگی فرد یا جمع را پدید می‌آورند - بستر بروز کنش را فراهم می‌کنند (۷).

در هر جامعه ضروری می‌باشد. بررسی الگوی غذایی می‌تواند چشم‌اندازی جامع از نوع مصرف مواد غذایی و هم چنین رویکردی جامع جهت پیشگیری از بیماری‌ها و درمان آن‌ها ارائه دهد. به عبارت بهتر، بررسی الگوهای غذایی می‌تواند راهی عملی در جهت ارزیابی میزان پایبندی افراد به دستورالعمل‌های غذایی باشد و به بالا بردن درک آن‌ها از رژیم غذایی کمک کند و به عنوان یک راهنما جهت مداخله‌های تغذیه‌ای و آموزش تلقی شود (۱).

از طرفی الگوی تغذیه در کل خاورمیانه و از جمله در ایران به سرعت در حال تغییر است. از نظر بیماری‌های مزمن مرتبط با تغذیه، تحلیل وضعیت تغذیه جامعه ایرانی حاکی از آن است که در حال حاضر علاوه بر سوء تغذیه و فقر غذایی، دوران گذار تغذیه‌ای نیز به سرعت در حال طی شدن است. نشانه‌های هشدار دهنده گسترش بیماری‌های متابولیک در پی گسترش شهرنشینی و تغییر شیوه زندگی، به ویژه در شهرهای بزرگ دیده می‌شوند (۲).

انتقال تغذیه<sup>۱</sup> یا به عبارتی گذار تغذیه که به عنوان پدیده‌ای جهانی به صورت بسیار گسترده مورد مطالعه قرار گرفته، عبارت است از تغییر رژیم غذایی سنتی سرشار از فیبر و توام با مصرف دانه‌ها، میوه‌ها و سبزیجات، به سمت نوعی رژیم غذایی توأم با مصرف بالای چربی، شکر، نمک و سایر غذاهای فرآوری شده. در الگوی تغذیه سنتی افراد به دلیل رفع گرسنگی به مصرف غذاها روی می‌آوردند ولی در الگوی تغذیه جدید انتخاب نوع غذای افراد تحت تاثیر رسانه‌ها و عوامل فرهنگی مختلف مانند مد می‌باشد. تغییرات مهمی که در گذار اقتصادی و جمعیتی اتفاق می‌افتد دارای اثر بسیار مهمی در گذار تغذیه می‌باشد. شهرنشینی، افزایش درآمد همراه با تغییر در عوامل فرهنگی و رسانه‌ها، نقش مهمی در گذار تغذیه به شکل جدید خواهند داشت. الگوی تغذیه جدید پیامدهای نامطلوبی مانند ابتلا به بیماری‌های مختلف (سکته، فشار خون، سرطان و ...) در افراد را به همراه داشته است. این نوع الگوی تغذیه به خصوص در کشورهای در حال توسعه که با افزایش شهرنشینی مواجه بوده و در تلاش برای پیمودن راه پیشرفت با تکیه بر الگوهای بیگانه غربی هستند، بسیار نمایان است (۳).



مجیب الرحمان و ویس وس وارا رائو<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) در تحقیقی به بررسی الگوهای مصرف مواد غذایی بر حسب مذهب در هند پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد تفاوت‌های جنسی معناداری در میزان مصرف بسیاری از اقلام خوراکی و میزان کالری دریافتی در میان مسلمانان و هندوها گزارش کردند. میزان مصرف غذاهای گوشتی در میان مسلمانان، گذشته از میزان تحصیلات و درآمد سرانه، بالاتر از هندوها بود، و در برابر مصرف شیر و فراورده‌های آن، چربی‌ها و روغن‌های خوراکی در میان هندوها بیشتر از مسلمانان گزارش شده بود. نتیجه نهایی این بود که بعد خانوار، درآمد سرانه و میزان تحصیلات تاثیر معنادار بر عادت‌های غذایی و میزان کالری دریافتی در میان پیروان دو مذهب داشته است (۱۲).

هیمن و همکاران<sup>۵</sup> در سال ۲۰۰۱ در تحقیق خود به بررسی تاثیر نوع مذهب بر مصرف غذایی افراد متعلق به مذاهب مختلف (اسلام، مسیحیت و یهود) پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که خرید مواد غذایی علاوه بر عوامل قیمت و درآمد، تا حد زیادی تحت تاثیر عوامل فرهنگی و مذهبی قرار دارد و الگوهای رفتاری متفاوت در بین مذاهب مختلف ناشی از هنجارها و ارزش‌های خاصی است که در هر دین وجود دارد. نتایج به طور کلی نشان داده است که مسلمانان مذهبی فقیر که سنتی بوده و زن خانه‌دار داشتند تمایل به خرید مرغ تازه کامل داشتند. در مقابل یهودی‌های ارتدوکس، ترجیح می‌دهند که کالاهای ارزان‌تری را در زمان کوتاه‌تر بخرند (۱۳).

پاپکین<sup>۶</sup> در سال ۲۰۰۱ در تحقیقی تحت عنوان «تغذیه در حال گذار: چالش در تغذیه در حال تغییر جهانی» به بررسی میزان تغییر در تغذیه عموم به ویژه در بین سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۳ پرداختند. نتایج حاکی از این است که تغییر چشمگیری از تغذیه سالم به سمت یک الگوی بیمارگونه در کشورهای در حال توسعه در حال وقوع است. تغییرات در ترجیحات غذایی عمدتاً ناشی از تغییر در درآمد، قیمت محصولات غذایی، میزان در دسترس بودن مواد غذایی و هم چنین تحت تاثیر نقش رسانه‌های جمعی بوده است (۱۴).

مبتنی بر این رویکرد، وبر<sup>۲</sup> سعی می‌کند خصوصیات رفتاری و شرایط بومی هر مردمی را با توجه به آموزه‌های دینی ایشان تبیین نماید. وبر این توانایی بالقوه را در دین می‌بیند که بتواند بر رفتار مردم و شیوه تفکر ایشان اثر گذارد و معتقد است که ایده‌ها، نیروهای موثر در تاریخ هستند (۸). به نظر گلاک و استارک<sup>۳</sup>، در همه ادیان بزرگ، به رغم تفاوت‌هایی که در جزئیات با یکدیگر دارند، عرصه‌های مشترکی وجود دارد که دینداری در آن‌ها متجلی می‌شود. این عرصه که می‌توان آن‌ها را ابعاد مرکزی دینداری به حساب آورد عبارتند از: بعد اعتقادی (باورهای دینی)، بعد مناسکی (اعمال دینی)، بعد تجربی (عواطف دینی)، بعد تفکری (دانش دینی) و بعد پیامدی (آثار دینی) (۹).

در انسان‌شناسی اسلامی تمامی خلقت و کائنات برای انسان، و انسان نیز برای عبودیت آفریده شده است، پس هر عمل یا شیئی که این حرکت تکاملی را دچار نقص و کاستی کند، ممنوع معرفی می‌گردد. راز پنهان در تمام نهی‌ها و تحریم‌ها، پیشگیری از رسیدن آسیب به جسم یا روح انسان و یا آسیب‌های فردی و اجتماعی است. در این نظام معنایی، تغذیه نیز از همین الگو تبعیت می‌کند: کلیه مشروبات الکلی که باعث سلب هشیاری انسان شود، حرام معرفی می‌گردد و به همین گونه هست مصرف گوشت خوک و مردار و خون و هر آنچه با نام غیر خدا ذبح شده باشد. تعمق در آیات قرآن در زمینه تحریم مشروبات الکلی، نشانگر تدریجی بودن تغییر الگوهای فرهنگی تغذیه است (۱۰).

در زمینه رفتار تغذیه‌ای به طور کلی و بررسی نقش دینداری بر رفتار تغذیه‌ای، تحقیقات معدودی به انجام رسیده است که در این قسمت از مقاله به این تحقیقات و نتایج آن‌ها پرداخته می‌شود.

نتایج تحقیق نصرتی و ذوالفقاری (۱۳۹۱) نشان داد که هرچه میزان دینداری پایین‌تر است، سبک زندگی مدرن‌تر و هرچه افراد دیندارتر هستند، سبک‌های زندگی سنتی و غیر مدرن‌تر می‌شود (۵). نتایج تحقیق علیزاده اقدام (۱۳۸۹) در بررسی عوامل اجتماعی و ساختاری تاثیرگذار بر سبک غذایی شهروندان تبریزی نشان داد که رفتارهای سالم شهروندان در زمینه سبک غذایی از دو بعد تغذیه سالم و تغذیه ناسالم تشکیل شده است (۱۱).



نمونه انتخاب شد. ابزار مورد استفاده جهت گردآوری داده‌ها پرسشنامه می‌باشد. سوالات مربوط به متغیر رفتارهای تغذیه‌ای به صورت تعداد وعده مصرف شده از هر گروه اقلام غذایی در طول هفته می‌باشد که نمره ۱ در این طیف بیانگر رفتار تغذیه‌ای ناسالم و نمره ۵ بیانگر رفتار تغذیه‌ای سالم می‌باشد. متغیر دینداری در ۴ بعد اعتقادی، عاطفی، مناسکی و پیامدی تنظیم شده است. در طیف طراحی شده جهت سنجش هر کدام از ابعاد متغیر دینداری نمره ۱ بیانگر دینداری ضعیف و نمره ۶ بیانگر دینداری قوی فرد می‌باشد.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده شده است. به منظور تعیین پایایی گویه‌های متغیرهای تحقیق از ضریب الفای کرونباخ و برای تعیین روایی از تحلیل عاملی استفاده گردیده که مقدار آن برای هریک از متغیرها در جدول شماره ۱ درج شده و در حد قابل قبول می‌باشد.

نتایج یافته‌های اکبای<sup>۷</sup> و همکارانش (۲۰۰۷) حاکی از تاثیر مهم عواملی چون بعد و ترکیب اعضای خانوار، تحصیلات، سن و جنسیت سرپرست خانوار نظیر تاثیرات منطقه‌ای و فصلی روی الگوهای تخصیص هزینه‌های خوراکی خانوار بوده‌اند. این پژوهش جمع‌بندی نتایج به دست آمده از تحلیل‌ها، به وقوع تغییرات عمده در الگوی مصرف خانوارهای ترکیه‌ای و در عین حال نیاز به بررسی‌های بیشتر این تغییرات اذعان داشته است (۱۵).

## مواد و روش‌ها

با توجه به ماهیت موضوع، روش مورد استفاده در تحقیق حاضر پیمایشی و از نوع مقطعی بوده و نوع پژوهش نیز کاربردی و واحد تحلیل نیز فرد (شهروندان بالای ۱۵ سال شهر تبریز در سال ۹۳-۱۳۹۲ می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه افراد بالای ۱۵ سال می‌باشند. با استفاده از فرمول کوکران ۴۸۳ نفر با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به عنوان حجم

جدول ۱: جدول میزان پایایی و روایی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	گویه‌های مورد سنجش	ضریب آلفا	KMO
رفتار تغذیه ای	استفاده از انواع سبزیجات(خام یا پخته) در تغذیه هفتگی، استفاده از انواع لبنیات(شیر، ماست، پنیر، کشک و...) در تغذیه هفتگی، استفاده از انواع میوه در تغذیه هفتگی، استفاده از انواع گوشت(مرغ، ماهی یا گوسفند) در تغذیه هفتگی، استفاده از انواع غلات(نان، برنج، ماکارونی و...) در تغذیه هفتگی، استفاده از انواع حبوبات(نخود، لوبیا، عدس و...) در تغذیه هفتگی، استفاده از انواع مغزهای گیاهی (گردو، فندق، بادام و...) در تغذیه هفتگی، استفاده از انواع چربی (سرشیر، کره، روغن نباتی و...) در تغذیه هفتگی، استفاده از انواع نوشابه‌های گازدار در تغذیه هفتگی، استفاده از انواع غذاهای فریزری در تغذیه هفتگی، استفاده از انواع غذاهای سریع آماده بازاری و کنسرو شده در تغذیه هفتگی، استفاده از انواع غذاهای سرخ کردنی در تغذیه هفتگی، استفاده از انواع شیرینی و شکلات در تغذیه هفتگی، استفاده از انواع چیپس، پفک و سایر تنقلات آماده در تغذیه هفتگی	۰/۵۷۵	۰/۷۷۴
دینداری	بدون اعتقادات دینی زندگی بوج و بی معنا است، قرآن کلام خداست و هر چه می‌گوید حقیقت محض است، نماز موجب پرورش ایمان و تعهد و بندگی است، معتقدم روزه نگرفتن در ماه رمضان به دینداری من لطمه می‌زند، با اعتقاد به وجود اعتقادی جهان آخرت، مرگ قابل تحمل و معنادار است، من به عدل الهی اعتقاد دارم و معتقدم خداوند به کسی ظلم نمی‌کند، پیامبران و امامان برای هدایت انسان‌ها از جانب خداوند برگزیده شده‌اند، معتقدم خداوند همواره حاضر و ناظر بر رفتار و اعمال ما است	۰/۸۹۰	
دینداری	اکثر اوقات از خطاهایم پشیمان می‌شوم و از خداوند می‌خواهم مرا ببخشد، من با نماز خواندن احساس می‌کنم به خدا نزدیک تر هستم، با رفتن به حرم امامان یا سایر امام زاده‌ها احساس معنویت عمیقی به من دست می‌دهد، اگر با تلاش و دعا به درگاه خدا کارم انجام نشود، ایمانم به خدا کم نمی‌شود	۰/۶۷۹	۰/۹۲۳ - ۰/۹۲۷
دینداری	تا چه مقید هستید نمازتان را بخوانید؟ اگر عذری نداشته باشید چقدر احتمال دارد که روزه‌ی ماه رمضان را بپذیرید؟ در طول هفته چقدر قرآن می‌خوانید؟ چقدر در جلسات مذهبی و هیئت‌ها ی مذهبی شرکت می‌کنید؟ تا چه حد مقید هستید به وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر خود عمل کنید؟ تا چه حد از انجام کارهای حرام (غیبت کردن، دروغ گفتن و...) خودداری می‌کنید؟	۰/۸۲۵	
دینداری	خداوند همیشه راهگشای کارها و مشکلات من در زندگی ام بوده است، خواندن مرتب قرآن و دقت در ترجمه آن در زندگی من موثر و از آن در رفتارهایم بهره می‌گیرم، نماز خواندن موجب می‌شود که مواظب اعمال و رفتار روزانه ام باشم، با پدیده بدحجابی رایج در جامعه باید با قاطعیت برخورد شود، در مورد خرید و فروش مشروبات الکلی باید سخت‌گیری لازم انجام شود	۰/۸۳۵	

جدول ۲: نتایج مربوط به فراوانی و درصد فراوانی نمرات

نام متغیر	ابعاد	کمینه	بیشینه	میانگین	درصد فراوانی	
					تجمعی	کمتر از میانگین
اعتقادی	۱۲/۰۰	۳۶/۰۰	۴۴/۶۵	۲۸/۷	۲۸/۷	۲۸/۷
دینداری	۶/۰۰	۲۴/۰۰	۲۲/۰۲	۳۳/۹	۳۳/۹	۳۳/۹
مناسکی	۶/۰۰	۳۶/۰۰	۲۵/۱۸	۵۰/۹	۵۰/۹	۵۰/۹
پيامدی	۷/۰۰	۳۰/۰۰	۲۶/۴۳	۳۴/۵	۳۴/۵	۳۴/۵
دینداری	۳۷/۰۰	۱۳۸/۰۰	۱۱۸/۸۲	۳۳/۷	۳۳/۷	۳۳/۷
رفتار تغذیه ای	۲۹/۰۰	۶۶/۰۰	۴۸/۷۸	۵۵/۹	۵۵/۹	۵۵/۹

## طیف لیکرت متغیر مستقل و وابسته پژوهش

جدول ۳: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین

متغیرها	ضریب پیرسون	سطح معنی داری	تعداد مشاهدات	دینداری و ابعاد آن با رفتار تغذیه‌ای	
				ضریب	سطح معنی داری
دینداری و رفتار تغذیه ای	۰/۱۴۴*	۰/۰۰۱	۴۸۳	۰/۰۰۱	۴۸۳
بعد اعتقادی دینداری و رفتار تغذیه ای	۰/۱۱۰*	۰/۰۱۶	۴۸۳	۰/۰۱۶	۴۸۳
بعد عاطفی دینداری و رفتار تغذیه ای	۰/۰۷۰*	۰/۱۲۷	۴۸۳	۰/۱۲۷	۴۸۳
بعد پیامدی دینداری و رفتار تغذیه ای	۰/۱۴۱*	۰/۰۰۲	۴۸۳	۰/۰۰۲	۴۸۳
بعد مناسکی دینداری و رفتار تغذیه ای	۰/۱۲۰*	۰/۰۲۵	۴۸۳	۰/۰۲۵	۴۸۳

## یافته ها

\* ۴۴/۵ درصد از افراد نمونه آماری مرد و ۵۵/۵

درصد از افراد در این گروه سنی زن می‌باشند.

\* بیشترین فراوانی مربوط به افراد متأهل (۵۷/۱)

(درصد) و کمترین فراوانی مربوط به افراد مطلقه (۴/۱ درصد) می‌باشد.

\* از ۴۸۳ نفر پاسخگو بیشترین فراوانی مربوط به وضعیت شغلی محصل (۳۱/۹ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به وضعیت شغلی بیکار (۶/۰ درصد) می‌باشد.

\* بیشترین فراوانی مربوط به سطح تحصیلات دبیرستان/ دیپلم با فراوانی (۴۰/۷ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به سطح تحصیلات بیسواد (۴/۱ درصد) می‌باشد.

\* و در نهایت، بیشترین فراوانی مربوط به طبقه اقتصادی متوسط به بالا (۴۳/۵ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به طبقه پایین (۱۷ درصد) می‌باشد.

در توصیف ابعاد متغیر دینداری با توجه به نتایج جدول شماره ۲ می‌توان گفت، بیشترین میانگین مربوط به بعد اعتقادی متغیر دینداری (۴۴/۶۵) می‌باشد و کمترین میانگین مربوط به بعد عاطفی متغیر دینداری (۲۲/۰۲) می‌باشد.

در توصیف متغیر وابسته (رفتار تغذیه‌ای) نیز با توجه به مقدار میانگین رفتار تغذیه‌ای می‌توان گفت، رفتار تغذیه‌ای سمت رفتار ناسالم گرایش دارد.

جهت بررسی وجود یا عدم وجود رابطه بین متغیر دینداری و ابعاد آن با رفتار تغذیه‌ای از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج این بررسی در جدول شماره ۳ درج شده است.

با توجه به نتایج جدول شماره ۳ مقدار ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده جهت بررسی ارتباط بین متغیر دینداری و رفتار تغذیه‌ای (۰/۱۴۴) نشان می‌دهد، بین متغیر دینداری و رفتار تغذیه‌ای رابطه وجود دارد که این رابطه در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشد. هم چنین این رابطه مستقیم بوده و از این رو می‌توان گفت: با افزایش سطح دینداری پاسخگویان رفتار تغذیه‌ای سالم در آن‌ها افزایش پیدا می‌کند.

در بررسی ارتباط بعد اعتقادی متغیر دینداری با رفتار تغذیه‌ای با توجه به نتایج جدول شماره ۳ می‌توان گفت، مقدار ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده (۰/۱۱۰) در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار (۰/۰۱۶) و مثبت می‌باشد. به عبارتی دیگر هر چه میزان بعد اعتقادی در بین پاسخگویان افزایش پیدا کند، میزان رفتار سالم تغذیه‌ای نیز در آن‌ها افزایش پیدا می‌کند. با توجه به مقدار ضریب همبستگی محاسبه شده بین بعد عاطفی متغیر دینداری و رفتار تغذیه‌ای می‌توان گفت، میزان ضریب همبستگی بین بعد عاطفی متغیر دینداری و رفتار تغذیه‌ای (۰/۰۷۰) معنی‌دار (۰/۱۲۷) نمی‌باشد.

مقدار ضریب همبستگی محاسبه شده بین بعد مناسکی متغیر دینداری و رفتار تغذیه‌ای (۰/۱۲۰) حاکی از وجود رابطه مثبت و معنی‌دار (۰/۰۲۵) در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشد. یعنی هر چه میزان بعد مناسکی در بین پاسخگویان افزایش پیدا می‌کند، میزان رفتار تغذیه‌ای سالم در آنها افزایش پیدا می‌کند. در نهایت مقدار ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده بین

از بین طبقات متغیر وضعیت تاهل، رفتار تغذیه‌ای افراد مجرد با رفتار تغذیه‌ای افراد متأهل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار می‌باشد. در نهایت، میانگین رفتار تغذیه‌ای طبقه پایین با میانگین رفتار تغذیه‌ای دو طبقه دیگر متفاوت بوده و در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار می‌باشد.

و بالاخره، نتایج مندرج در جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که مردان و زنان در رفتار تغذیه‌ای تفاوت معنی‌داری با یکدیگر ندارند.

جدول ۵: آزمون تفاوت میانگین رفتار تغذیه ای بر حسب

جنس	
نام متغیرها	T
جنسیت و رفتار تغذیه ای	۰/۷۵۰
سطح معنی داری	۰/۴۵۳

## بحث

این پژوهش با هدف بررسی نقش دینداری بر رفتار تغذیه‌ای نسل جوان و برخی زمینه‌های اجتماعی مرتبط با آن به انجام رسیده است. نتیجه‌ی بررسی ارتباط دینداری با رفتار تغذیه‌ای نشان می‌دهد، بین دینداری با رفتار تغذیه‌ای رابطه مستقیم و در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشد. به عبارتی دیگر با افزایش دینداری پاسخگویان، رفتار سالم تغذیه‌ای نیز در آنها افزایش پیدا می‌کند. از بین ابعاد متغیر دینداری (اعتقادی، عاطفی، مناسکی و پیامدی) نیز باید گفت، تنها ارتباط بعد عاطفی با رفتار تغذیه‌ای معنی‌دار نمی‌باشد.

از نظر بورديو، افراد و گروه‌ها بر حسب موقعیت‌های متمایز و متفاوتی که در فضای اجتماعی دارند و بر گرفته از تملک سرمایه‌های گوناگون است، و در نتیجه با درونی کردن این وضعیت و نمادهای آن (عادت و آواره‌ها) در نظام طبقه‌بندی اجتماعی جایگاه مشخصی را کسب می‌کنند. از طریق این نظام، ترجیحات و ذائقه‌هایی در ذهن و اعمال شخص ایجاد می‌شود که در تمایز و گاهی در تضاد با افراد و گروه‌های دیگر است. این ترجیحات و ذائقه‌ها در محدوده سرمایه‌های فرد (فرهنگی، اقتصادی، نمادین) در قالب کنش‌ها و اعمالی بروز می‌یابند که سبک‌های زندگی

بعد پیامدی متغیر دینداری و رفتار تغذیه‌ای (۰/۱۴۱) حاکی از وجود رابطه مثبت و معنی‌دار (۰/۰۰۲) در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌باشد. به عبارتی دیگر هر چه میزان بعد پیامدی در بین پاسخگویان افزایش پیدا کند، میزان رفتار سالم تغذیه‌ای در آنها افزایش پیدا می‌کند.

محاسبه واریانس یک طرفه برای مقایسه تفاوت میانگین‌های متغیرهای وضعیت اشتغال، تحصیلات، وضعیت تاهل، طبقه اقتصادی با متغیر رفتار تغذیه‌ای که در جدول شماره ۴ ذکر شده است، نشان می‌دهد رفتار تغذیه‌ای پاسخگویان از نظر متغیرهای زمینه‌ای مورد بررسی متفاوت و معنی‌دار می‌باشد.

جدول ۴: نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه بین

### متغیرهای زمینه‌ای و متغیر وابسته

نام متغیر	F	سطح معنی داری
وضعیت اشتغال	۳/۸۷۹	۰/۰۰۰
تحصیلات پاسخگو	۳/۸۶۳	۰/۰۰۲
وضعیت تاهل	۳/۵۴۹	۰/۰۱۴
طبقه اقتصادی	۲/۲۳۳	۰/۰۰۷

با توجه آزمون LSD می‌توان گفت، رفتار تغذیه‌ای کارمند دولتی با افراد محصل و خانه‌دار، رفتار تغذیه‌ای شغل آزاد با افراد محصل، خانه‌دار و بیکار و رفتار تغذیه‌ای گروه بیکار با افراد دارای شغل آزاد در سطح اطمینان ۹۵ درصد متفاوت و معنی‌دار می‌باشد. با توجه به نتایج این آزمون، رفتار تغذیه‌ای افراد دارای سطح تحصیلات بیسواد با رفتار تغذیه‌ای افراد دارای سطح تحصیلات دبیرستان/دیپلم، کاردانی/کارشناسی، کارشناسی ارشد/بالتر؛ رفتار تغذیه‌ای افراد دارای سطح تحصیلات ابتدایی با رفتار تغذیه‌ای سه سطح تحصیلی دبیرستان/دیپلم، کاردانی/کارشناسی و کارشناسی ارشد/بالتر؛ رفتار تغذیه‌ای افراد دارای سطح تحصیلی راهنمایی با افراد دارای سطح تحصیلی دبیرستان/دیپلم و کارشناسی ارشد و بالاتر و همچنین رفتار تغذیه‌ای افراد دارای سطح تحصیلات دبیرستان/دیپلم با رفتار تغذیه‌ای سه گروه سطح تحصیلی بی‌سواد، ابتدایی و راهنمایی متفاوت و در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار می‌باشد.

مطابقت سلیقه‌های او با سلیقه‌های دیگران شکل می‌گیرد (۱۷).

جایگاه افراد در سلسله مراتب اجتماعی وابسته به میزان سرمایه‌ای است که در تملک دارند، بررسی میزان مالکیت هر یک از این سرمایه‌ها، رابطه‌ی بین آنها و تعیین اهمیت هر یک از آنها را در عرصه‌های مختلف حیات بشری می‌تواند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. سرمایه فرهنگی نزدیک به مفهوم وبری شیوه‌ی زندگی است که شامل مهارت‌های خاص، سلیقه، نحوه‌ی سخن گفتن، مدرک تحصیلی و شیوه‌هایی می‌گردد که فرد از طریق آن خود را از دیگران متمایز می‌سازد. این نقطه نظر یادآور مفهوم مصرف چشمگیر وبلن نیز هست، یعنی طبقات بالا با چشمگیر ساختن شیوه‌ی زندگی خود از دیگران متمایز می‌شوند (۱۷).

این نتایج همسو با تحقیقات پاکین (۲۰۰۱)، آکبای (۲۰۰۷) و علیزاده اقدم (۱۳۸۹) می‌باشد. نتایج تحقیقات این افراد نشان می‌دهد تغییر سریعی در وضعیت تغذیه در حال وقوع است. به عبارتی تغییر چشم‌گیری از تغذیه سالم به سمت یک الگوی بیمارگونه در کشورهای در حال توسعه در حال وقوع است. تغییرات در ترجیحات غذایی عمدتاً ناشی از تفاوت در سطح تحصیلات، تاهل، اشتغال و طبقه اقتصادی می‌باشد.

در پایان باید گفت، رفتارهای تغذیه‌ای یا الگوهای غذایی در فرهنگ‌ها، نژادها، جنس‌ها و مناطق جغرافیایی مختلف با هم متفاوتند. رژیم غذایی یک پدیده چند وجهی است که عوامل مختلف فیزیولوژیکی، کشاورزی، صنعتی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی بر آن تاثیرگذار هستند. با تحولاتی که در دنیای صنعت به وجود آمده است، فواصل بین کشورهای مختلف کم شده و در نتیجه آگاهی مردم نسبت به سنت‌های غذایی کشورهای مجاور یا دوردست زیادتر شده است، این امر خود انقلابی در عادات غذایی ملت‌ها به وجود آورده است (۱۸).

بررسی و فهم تاثیرات عوامل اجتماعی در زمینه تغییر الگوی غذایی و در ارائه برنامه غذایی سالم برای مصرف‌کنندگان اهمیت بسیاری دارد. رفتارها و عادات

متمایز و تنوعی را می‌آفریند. پس افراد مختلف با سرمایه‌های متفاوت مذهبی (میزان پایین و یا بالای دینداری) دارای ترجیحات و ذائقه‌های متمایز و تا حدی متضاد در نحوه خوراک می‌شوند (۵).

و بر نیز این توانایی بالقوه را در دین می‌بیند که بتواند بر رفتار مردم و شیوه تفکر ایشان اثر گذارد و معتقد است که ایده‌ها، نیروهای موثر در تاریخ هستند. نظریه کنش وبر، بررسی تاثیر دینداری (التزام به باورها و عقاید دینی و به موجب آن اعمال دینی) بر سبک زندگی (اعمال و کنش‌های روزمره افراد) را معنادار و ممکن می‌سازد. می‌توان دیدگاه وی را اینگونه بیان کرد که بشر بر مبنای شیوه تفکر خود، جامعه خود را می‌سازد و دین از مهم‌ترین مولفه‌های شکل دهنده شیوه تفکر است (۹). این نتیجه همسو با تحقیقات نصرتی و همکاران (۵)، مجیب الرحمان و همکاران ۲۰۰۲ و همین و همکاران ۲۰۰۱ می‌باشد (۱۲). نتایج این تحقیقات حاکی از آن است که خرید مواد غذایی تا حد زیادی تحت تاثیر عوامل فرهنگی و مذهبی قرار دارد و الگوهای رفتاری متفاوت در بین مذاهب مختلف ناشی از هنجارها و ارزش‌های خاصی است که در هر دین وجود دارد.

در بررسی عوامل زمینه‌ای مرتبط با رفتار تغذیه‌ای نیز با توجه به نتایج تحقیق می‌توان گفت، رفتار تغذیه‌ای پاسخگویان از نظر عوامل زمینه‌ای (وضعیت تاهل، وضعیت اشتغال، وضعیت تحصیلات و طبقه اقتصادی) متفاوت می‌باشد. از بین عوامل زمینه‌ای تنها جنسیت تاثیری بر تفاوت میانگین رفتار تغذیه‌ای پاسخگویان نداشته است.

از نظر بورديو سلیقه‌ها و عادات‌ها نقش اصلی را در زندگی انسانی دارند؛ زیرا آنها رفتارهای مناسب و تجربه‌های عادی انسان را در فرهنگ‌ها، به ویژه خرده فرهنگ‌ها مشخص می‌کنند. از نظر بورديو تفاوت‌های طبقاتی افراد به دلیل سلیقه‌های مختلف آنهاست؛ در واقع تجربه اجتماعی یک فرد بر اساس آنچه گروه‌های اجتماعی او ارزیابی می‌کنند یا بر اساس روش‌ها و سلیقه‌های خاص و میزان



می‌گیرند و هر جامعه ای فرهنگ خاص خود را در ارتباط با عادات‌های غذایی دارند، بنابراین ساختارهای گروهی به هر نحوی بر سبک غذایی افراد تاثیرگذار هست و از طرف دیگر کنش‌های فردی می‌تواند فضایی برای تنوع بخشی و تمایز و تغییرات اجتماعی ایجاد کند (۱۹).

غذایی فرد به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم، آگاهانه یا ناخودآگاه تحت تاثیر افرادی قرار می‌گیرد که در محیط اجتماعی پیرامون او زندگی می‌کنند. باید اشاره کرد که فرهنگ و اجتماع یک زمینه مهم در انتخاب مواد غذایی می‌باشد. از آن‌جا که همه افراد در اجتماع متولد شده و تحت تعلیم و جامعه‌پذیری هنجارهای آن جامعه قرار

### Endnotes

1. Nutrition Transitional
2. Weber
3. Clock & Stark
4. . Mujeeb-Ur-Rahman, & Viswewara Rao

5. Heiman et al
6. Popkin
7. Akbay et al

### References

1. Hu, FB. Dietary Pattern Analysis: A New Direction in Nutritional Epidemiology. Current opinion in lipidology. 2002; 13(1): 3-9.
2. Delavari A, Mahdavi Hezaveh A, Norouzinejad A, Yarahmadi Sh. General practitioner and Diabetes. Tehran: Sound Publishing Center; 2004. p.9 (Persian).
3. Madanat HN, Hawks SR, Campbell T, Fowler C, Hawks Josiah L. Young Urban Women and the Nutrition Transition in China: A Familiar Pattern Emerges. Global Health Promotion. 2010; 17(4): 43-51.
4. Kim GS, Cho WJ, Lee CY, Marion LN, Kim MJ. The Relationship of Work Stress to self-Rated Health of Women Employed in Industrial Sector in Korea. Public Health Nursing. 2005; (22)5: 389-397.
5. Nosrati Sh., Zolfagari, A. "Impact of Religiosity on the Iranian Youth Lifestyle in Tehran", Journal of Social Research. 2012; 14: 117-101(Persian).
6. Ebrahimi, Gh. Ziiapour, A. "Sociological Study of Cultural Capital and Its Impact on the Body Management (Empirical Study of Youth: Gilangharb)", Journal of Applied Sociology. 2012; 1: 148-125(Persian).
7. Mahdavi Kani MS. Religion and Lifestyle. Tehran: Imam Sadiq University Press; 2008. (Persian).
8. Ansari A. The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism. Weber M. Tehran: SAMT Publicaton. 2006. (Persian).
9. Karami Fahmi, M., Zadsar, Z. "Measuring the Relationship between Religion and Lifestyle (Case Study of women 20 and older in Tehran)", Journal of Art and Culture, 2013; 1: 101-85 (Persian).
10. Abbasi M, Moftakhari H, Fazeli N. Islamization Process of Nutrition Pattern at the End of the Fourth Century (AH). Islam Studies. 2012; 15: 136-107 (Persian).
11. Alizadeh Agdam MB. Sociological Analysis of Citizens' Food Styles, Journal of Social Welfare. 2010. 44: 285-317 (Persian).
12. Mujeeb-Ul-Rahman M, Visweswara Rao K. Pattern of food consumption and nutrient adequacy: A case study of adults by religion. The Indian Journal of Nutrition and Dietetics 2002; 39(4): 160-172.
13. Amir H, David J, McWilliams B, Zilberman D. Religion, Religiosity, Lifestyles and Food Consumption. Agricultural and Resource Economics Update. 2004; 8(2):9-11.
14. Popkin B, Wen Ng S. The Nutrition Transition in High and Low – Income Countries: What Are The Policy Lessons? International Association of Agricultural Economists Conference: 2006 August 12-18: Gold Coast, Australia.
15. Akbay C, Tiryaki GY, Gul A. Consumer Characteristics Influencing Fast Food Consumption in Turkey. Food Control. 2008; 18(8): 904-913.

16. Bahar, M. Consumer culture, Tehran: Samt publication. 2011; P.20 (Persian).
17. Momtaz, F. "Introducing the Concept of class in Bourdieu's Perspective", Institute for Humanities. 2004; 42-41: 160-149 (Persian).
18. Sadigi, A. "Principles of Nutrition and Dietetics", Tehran: Publishing Association of Ataii, Second Edition. 1989 (Persian).
19. Dadkhah M, Omidvar N, Mehrabi Y. Comparison of the fat intake patterns of female high school adolescents and their parents. Iranian Journal of Nutrition Sciences. 1385; 1(3): 25-32 (Persian).